

یاد دوست

نگاه معصومی به گذشته بود



فرشید موقالی

● من در اواسط دهه ۴۰ به‌واسطه مرتضی ممیز با معصومی آشنا شدم. در آن زمان ممیز تازه از فرانسه برگشته بود که من پیشنهاد یک کار مشترک را به او دادم. گفتیم بیا با هم یک شرکت راه بیندازیم. به نظر ما با هم می‌توانستیم کار موفق‌ی راه بیندازیم. مرتضی ممیز هم قبول کرد. بعد از چند روز به این نتیجه رسیدیم که کار شرکت زیاد است و دونفری از پس آن برنمی‌آیم. نیاز به همکاری با آدم‌های بیشتری داشتیم. قرار شد هرکدام افرادی را برای کمک به شرکت نوپا معرفی کنیم.

من پیشنهاد کردم یکی از دوستانم به نام آقای فرهاد بشارت که در امور ارتباط با مشتریان خبره بود، با ما همکاری کند. مرتضی هم علی‌اصغر معصومی را پیشنهاد کرد و گفت که او در امور مربوط به کارها و انجام کارها بسیار شایسته و قابل است. برای شرکت یک نام هم انتخاب کردیم؛ شرکت ۴۲. این شرکت در خیابان سمیه فعلی قرار دارد. ساختمان شرکت هنوز هم همان‌جا وجود دارد. خاطرات زیادی از آن شرکت و همکاری‌انم دارم. جوی که بین ما حاکم بود، بیشتر از اینکه کاری باشد، دوستانه بود. صمیمیت زیادی در شرکت ایجاد شده بود.



در این شرکت، ما انواع و اقسام کارهای تبلیغاتی و گرافیکی را انجام می‌دادیم. خیلی زود کار شرکت گرفت و ما افزون بـر همکاری، رابطه دوستی خوبی هم با هم پیدا کردیم. در این دوستی افزون بر مهارت‌های کاری، با بسیاری از خصوصیات اخلاقی اصغر از نزدیک آشنا شدم. به نظر او انسانی با مشخصات انسان‌های قدیم‌تر از ما بود. به ارزش‌های قدیمی پایبند بود و نگاه خاصی به زندگی داشت. حساسیت‌هایی که داشت و چیزهایی که موردعلاقه‌اش بود، ما را با منشی از سبک زندگی در گذشته روبه‌رو می‌کرد. توجه او به گذشته در تمام رفتاراش دیده می‌شد. این منش او برای من بسیار دلپذیر بود. از سوی دیگر معصومی بسیار انسان شوخ‌طبعی بود و در کارش بسیار مهارت داشت.

همکاری من و اصغر معصومی برای من بسیار خوب و خوشایند بود. من فیلم انیمیشن را از او یاد گرفتم. یادم می‌آید که یک اکهی تبلیغاتی انیمیشن گرفتیم. چون اصغر سابقه زیادی در این کار داشت و قبلاً کارهایی انجام داده بود، به من کمک کرد تا این فیلم ساخته شود. فیلم خیلی خوبی هم از کار درآمد. من در جوار او با دنیای طلق و انیمیشن آشنا شدم. درمجموع همکاری خوبی داشتیم. آن دوره بسیار برایم به‌یادماندنی است. اصغر در نوع کارکردنش هم توجه و نگاهی خاص به گذشته داشت. او زمانی که به نقاشی پرداخت گل‌ومرغ می‌کشید. در کارهایش خاطره خیالی گل‌ومرغ را زنده کرد که برای ما بسیار مطبوع و دلپذیر بود. به نظر همین توجه به گذشته و از نو زنده‌کردن طرح‌های قدیمی، از او یک هنرمند برجسته ساخت و باعث شد که کارهای ارزنده‌ای را به دنیای هنر تقدیم کند. این ویژگی کار او را از بسیاری از هنرمندان متمایز می‌کند.

گروه هنر: علی اصغر معصومی نقاشی با پنج دهه حضور و تأثیرگذاری در عرصه هنر معاصر بود. او از نسل نقاش‌های نوگرای ایرانی است که در دهه ۴۰ شمسی به میدان آمدند و به جنبشی که برای به‌وجودآوردن هنری ملی با ویژگی‌های جهانی در هنرهای تجسمی هم‌زمان با شعر و داستان و تئاتر و سینما پا گرفته بود، پروبال دادند. تلاش غالب این هنرمندان بخشیدن هویتی ایرانی به آثار خود بود به نحوی که بتواند با مخاطب جهانی هم ارتباط برقرار کند. مکتب سقاخانه در همان سال‌ها از دل این جنبش بیرون آمد. نمایشگاه‌های متعدد علی‌اصغر معصومی در شهرهای کانادا و آمریکا و اروپا در سال‌های پیش از مرگ و فروش آثارش نشان از موفقیت او در ساخت و هر چه پرداخته‌ترکردن هنرش داشت. او

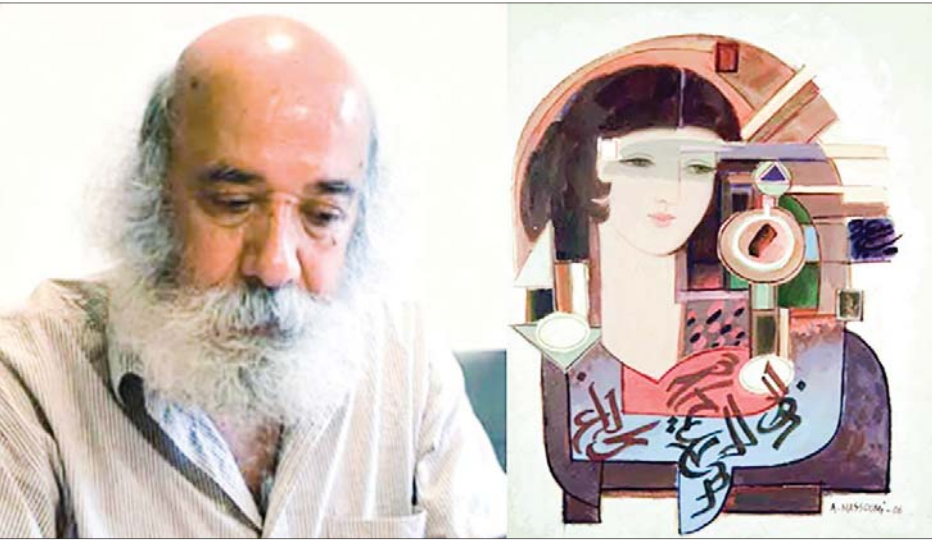
عاشق موسیقی بود. موسیقی کلاسیک را دوست داشت و در موسیقی ایرانی شجریان، علیزاده، جلیل شهناز و بسیاری دیگر را می‌ستود. این زندگی مردی بود که زمانی بی‌وقفه به مدت ۱۶ سال روی سیاه‌قلم‌های شاهنامه امیرکبیر و مصورکردن آن از دل و جان مایه گذاشته بود.

معصومی اما در عین حشر و نشر و تعامل با هنرمندان این گروه، راه خود را تا حدودی مثل شمار دیگری از نقاش‌های مطرح آن دوره از جمله سهراب سپهری که شاعر هم بود، به طور مستقل طی کرد و همچون او دست‌کم در آغاز بیشتر دل‌مشغول زیبایی طبیعت زادوبوم خود -کنگاور- و جاذبه‌های عرفانی هنر شرق به طور اخص و پیگیرتر مینیاتورهای ایرانی بود؛ از این‌رو با عناصری مانند قفل و در و پنجره سقاخانه و دیگر نشانه‌های اماکن مذهبی راهبان مکتب جدید مثل زنده‌رودی و توالوی سروکار زیادی نداشت. معصومی با چنین آغازی در برورشور اولین نمایشگاهش در هنر جدید، در سال ۱۳۴۲ شمسی می‌نویسد:

«برای ما که در هر دوره‌ای از تاریخ دارای مکتبی از هنر بوده‌ایم، سرگردانی و دست‌وپازدن در هنر غرب قابل تحمل نیست و باید بتوانیم به همان سادگی که به فارسی سخن می‌گوییم، به طور طبیعی احساسات خاص ایرانی خود را در قالب هنری امروز بیان کنیم.

سالگرد وداع با مردی که زندگی‌اش را وقف فرهنگ ایرانی کرد

معصومی و مکتب نوین نقاشی ایران



صادقانه و بی‌ریا، هر چه را که هستیم، نشان دهیم. بر هر کدام از ما است که با فکر و مطالعه و کار مداوم و با آگاهی به فقر هنری زمان خود، گوشه‌ای از این کار را بگیریم و ثمره تجربیات خود را در اختیار یکدیگر بگذاریم تا بتوانیم با شکست این سکوت سنگین، هنری ارزنده به دنیایی که چشم به آثار این

سرزمین دوخته عرضه کنیم».
علی‌اصغر معصومی پس از نخستین نمایشگاه خود تا دو دهه بعد نمایشگاه‌های جمعی و انفرادی متعددی را در ایران برگزار کرد. مصورکردن سیاه‌قلم‌های شاهنامه امیرکبیر که تهیه و تدارک آن ۱۶ سال به درازا کشید، یکی از ثمره‌های تلاش او در این سال‌هاست.

معصومی پس از انقلاب در سال ۱۳۶۲ به اسپانیا رفت و بعد از چند سال راهی کانادا شد و در مونترال اقامت گزید. چند سال پیش در سفر به ایران نمایشگاهی از آثار تازه‌اش در گالری‌های سیحون و دی برپا کرد. در این سال‌ها همچون تتی چند از هم‌نسلان خود شاهد استقبال روزافزون علاقه‌مندان و افزایش قیمت آثارش به عنوان یکی از استادان هنر شرق در گالری‌های معتبر دنیا بوده است.

برای رسیدن به این جایگاه او در سه دهه دوری از ایران با سخت‌کوشی به سبک خود و بسیاری از اصولی که از همان ابتدا برای کار خود وضع کرد،

وفادار مانده و هنرش را به صداقت و کمالی رساند

که به شعر پهلوی می‌زند. در کارهای او از مظاهر بیرونی زندگی معاصر چه از نوع غربی و چه از نوع شرقی آن، سراغ چندانی نیست، اما به طور پنهان و رازآلودی درگیر تاریخ هنر نقاشی و استادان آن است، از این‌رو شاید امروز او را بیشتر بتوان شهروند دنیای هنر و نقاشی محسوب کرد تا ساکن این سرزمین یا سرزمینی دیگر.

● **کارهای گل و مرغ:** این بخش از کارها بر اساس نقاشی‌های گل و مرغ در اواخر دوره صفویه و دوره‌های زندیه و قاجاریه شکل گرفته‌اند. «مصرف این نقاشی‌ها در گذشته، بیشتر برای قلمدان‌ها، جلد کتاب، صفحات قرآن و جلد آئینه استفاده داشته است. اما من وقتی به گل و مرغ پرداختم، سعی کردم مصرف آن را عوض کنم. چون حالا نه قلمدان و نه کار کتاب همچون گذشته رواج دارد، آن را به طبیعت بی‌جان تبدیل کردم. برای این منظور از تکنیک‌های مختلفی بهره بردم. مثلاً اگر کسی در گذشته می‌خواست کلی صورتی را فرضا در اندازه پشت ناخن بسازد، ابتدا این سطح کوچک را صورتی کرده، سپس با قلمی دیگر، با نقطه‌های ریز، آن را پرداخت می‌کرد، تا حالتی نرم پیدا کند. اما وقتی این موضوع را به صورت طبیعت بی‌جان به‌کار بردم، کار بزرگ شد. دیگر امکان نداشت آن را به صورت گذشته اجرا کرد و باید از پرسپکتیو در رنگ نیز استفاده شود. از آن‌جایی که از دوره قاجاریه، نقاشی نیم‌جمعی پیدا کرده بود، من نیز به آن نیم‌جمعی داده و با حفظ فضا و ترکیب‌بندی جدید و با ساخت‌وساز و اجرائی متفاوت آنها را کار کردم».

● **کارهای ترکیبی (درهم):** در این دسته از کارها، معصومی به استفاده ترکیباتی از شیوه‌های صفویه و قاجاریه و سطح انتزاعی، بافت‌دار و خط (نگارش) پرداخته است. «یکی از جنبه‌های احمد بزرگ‌نیا، مهرداد

میناتور ایرانی است. سعی می‌کنم با دنبال‌کردن ارکان مینیاتور و تلفیق آنها با هنر مدرن، ضمن حفظ بررسی و شناسایی هویت خودمان، از دنیای مدرن معاصر هم جا نمانم».
● **دوره صفویه و قاجاریه:** وی در این دو بخش از کارهای خود به استفاده از الگوها و منامین و ترکیب‌های به‌کاربرده‌شده در دیوارنگاری‌ها و تکیه‌پیکره‌های مکتب اصفهان در دوره صفویه و «پیکرنگاری درباری» قاجاریه می‌پردازد. «از ترکیب‌ها استفاده می‌کنم، ولی کارهای من از نظر ساختمان، ربطی با کارهای این دوره‌ها ندارد. روی طراحی و رنگ آثارم، بسیار کار شد و با دانش

معصومی؛ یک نقاش خلاق

و بچه‌هایش به خانه ما می‌آمد و گاهی هم ما به خانه آنها می‌رفتیم. از این بابت که وفات او را ندیدم، خوشحالم. در ایران رسمی وجود دارد که وقتی عزیزی را در آرامگاه می‌گذارند، لحظه آخر رویش را باز می‌کنند تا مردم برای آخرین‌بار او را ببینند. من هیچ‌گاه، نه برای پدر و مادرم و نه عزیزترین دوستانم مانند کیارستمی آن نگاه آخر را نینداختم. همیشه دوست داشتم آدم‌ها در دقیقاً مانند دوران شادابی‌شان ببینم. ایران نبودن اصغر، از این نظر برایم خوشحال‌کننده بود.

کارهای اصغر بسیار ارزنده است. نقاشی‌هایی می‌کشید که بسیار شبیه نقاشی‌های دوران قاجار بود. او از تکنیک‌های مختلف در آثارش بهره گرفته است. واقعاً انسان خلاقی بود. هنر سه وجه دارد؛ مبنای، صنعت و خلاقیت. بعضی‌ها فقط دوتای نخست را کسب می‌کنند و به سومی نمی‌رسند. اصغر از سال‌های جوانی به خلاقیت رسید. یکی از خصوصیات اخلاقی مثبت او این بود که بسیار مهربان و شوخ‌طبع بود. شوخی‌های قشنگی می‌کرد. یک روز در خانه ما، یکی از دوستانمان به نام رضایی که خیلی با اصغر رفیق بود، دستش را دور گردن او انداخت. اصغر به شوخی دست او را پایین انداخت و با لهجه شیرین کرمانشاهی گفت: خیلی با ما خودمانی شدی.

من برای همسرش، کارولین و دختر و پسرش ترگل و بابک، آرزوی سلامتی و خوشبختی می‌کنم. پدر آنها انسانی بوده که حتماً به او افتخار می‌کنند. زندگی همین است. یک روز من می‌روم و یک روز هم دیگری. همه می‌روند. مهم این است که خاطرات خوبی از خودمان در ذهن دیگران به‌جا گذاشته باشیم که اصغر این کار را کرد.



آیین سپاس اپرای «رستم و سهراب» چکناواریان

● **گروه هنر:** در هفتمین برنامه از سلسله برنامه‌های سپاس، آیین سپاس اپرای «رستم و سهراب» از سوی باشگاه شاهنامه‌پژوهان با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار خواهد شد. آیین سپاس اپرای «رستم و سهراب» به پاس ۲۵ سال کوشش برای خلق اثری برجسته و ماندگار در زمینه موسیقی و شاهنامه با سخنرانی لوریس چکناواریان، شاهین فرهت و یارتا بیاران به همراه نمایش مستند «کنون



اجرای اپرا در ایران در حدود دو ساعت و ۲۰ دقیقه زمان می‌برد. لوریس چکناواریان اپراهای رستم و اسفندیار، سیاوش و ضحاک را نیز خلق کرده است که هنوز اجرا نشده‌اند. این مراسم چهارشنبه، ۱۰ بهمن، از ۱۶ تا ۱۹ مصر در خانه اندیشمندان علوم انسانی به نشانی خیابان استاد نجات‌اللهی (ویلا)، بوستان ورشو، سالن فردوسی برگزار می‌شود. شرکت برای تمام دوستداران آزاد و رایگان است.

زیر آسمان فیروزهای

جایزه بهترین مستند جشنواره پراگ

● **گروه هنر:** فیلم مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» ساخته رضا فرهنگند، پس از کسب جایزه بهترین فیلم مستند از جشنواره فیلم‌های ایرانی پراگ، در بیستمین جشنواره one world پراگ، به نمایش درمی‌آید. به گزارش روابطعمومی فیلم، هشتمین جشنواره فیلم‌های ایرانی پراگ با معرفی برگزیدگان خود در بخش‌های مختلف به پایان رسید که در این بین مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» به کارگردانی رضا فرهنگند و تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی، جایزه بهترین مستند را به خود اختصاص داد. در این جشنواره مستندهایی مانند «در جستجوی فریبده»، «علی آقا» و «دلنبند» نیز حضور داشتند. همچنین این فیلم در ادامه حضور بین‌المللی خود، در بیستمین جشنواره one world پراگ در بخش مسابقه به نمایش درمی‌آید. جشنواره one world بزرگ‌ترین جشنواره فیلم حقوق بشر در دنیاست که بنیان‌گذار مجموعه فستیوال‌های حقوق بشر است و ۳۳ جشنواره فیلم حقوق بشر در سراسر دنیا را بنیان نهاده است. جشنواره one world نشان ویژه یونسکو برای مشارکت در آموزش صلح و حقوق بشر را در سال ۲۰۰۶ دریافت کرده است. بیستمین دوره این جشنواره از پنجم تا بیستم مارس ۲۰۱۹ (۱۴ تا ۲۹ اسفند) در پراگ و ۳۶ شهر دیگر جمهوری چک، برگزار می‌شود. مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» نخستین حضور بین‌الملل خود را با جشنواره لوکارنو سونیس آغاز کرده و موفق به کسب جایزه اصلی جشنواره «signs du Night» پاریس شده است. این فیلم همچنین در بخش بهترین فیلم از نگاه تماشاگران جشنواره لایپزیک، نامزد دریافت جایزه این بخش شده بود. بخش فیلم به عهده مرجان علیزاده، کمپانی ArtHouse در کانادا است.

داوران بخش سودای سیمرغ

● **گروه هنر:** داوران بخش سودای سیمرغ سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر برای قضاوت ۲۲ فیلم مسابقه سبنمای ایران و سه انیمیشن راه‌ایافته به جشنواره، معرفی شدند. محمد احسانی، محمدعلی باشه آهنگر، محمد بزرگ‌نیا، مهرداد دانش، پوران درخشند، ریمارامین‌فرو و مهرداد کلاری داوری آثار بخش سودای سیمرغ این دوره از جشنواره را عهده‌دار هستند. این داوران ۲۲ فیلم بخش سودای سیمرغ و سه انیمیشن راه‌ایافته به جشنواره فیلم فجر را داوری می‌کنند.

نمایشگاه عکس‌های پرویز جاهد

● **نمایشگاه عکس‌های پرویز جاهد** با عنوان «وقتی شهری می‌خواید» با حضور خسرو معصومی، سیف‌الله صمدیان و امیر پوریا در گالری زمستان خانه هنرمندان ایران افتتاح شد. به گزارش هنرآنلاین، پرویز جاهد درباره این نمایشگاه گفت: از زمانی که به خاطر دارم، دلبسته سینما، به‌ویژه سینمای نوار و به‌تبع آن فضای شهری بودم. از سال ۲۰۰۰ که از ایران مهاجرت کردم، به شهرهای مختلفی سفر کردم و در تمام این سفرها متأثر از سینمای نوار از شهرها در شب عکاسی کردم که دربرگیرنده مجموعه متعدد و متنوعی است. او افزود: در این نمایشگاه ۴۰ عکس از شهرهایی مانند پاریس، لندن، پراگ، استانبول و چند شهر دیگر در شب را در معرض دید مخاطبان گذاشتم. جاهد ادامه داد: مجموعه عکس‌های متعدد دیگری دارم که در آینده قصد دارم این مجموعه‌ها را نیز به مرور به نمایش بگذارم. همچنین قصد دارم کتاب عکس‌هایم را نیز منتشر کنم. نمایشگاه عکس‌های پرویز جاهد تا ۸ بهمن در گالری زمستان خانه هنرمندان ایران برپا خواهد بود.

شب‌های موسیقی شرق تا غرب

● **گروه هنر:** مجموعه کنسرت‌های «شب‌های موسیقی شرق تا غرب» از هفتم بهمن به مدت سه شب در تالار رودکی برگزار می‌شود. شب‌های موسیقی شرق تا غرب، با هدف حمایت از گروه‌های موسیقی کلاسیک و بهبود سطح شنیداری مخاطب در تالار رودکی از تاریخ ۷ تا ۹ بهمن ساعت ۲۰ اجرا می‌شود. این اجرا شامل کنسرت کوارتت زهی رسیپنا به سرپرستی آرش اسدنژاد (۷ بهمن)، کنسرت کوارتت زهی شهره‌زاد به سرپرستی نینا جامه‌گرمی (۸ بهمن) و گروه کر تال به رهبری میلاد عمرانلو (۹ بهمن) است. در این کنسرت‌ها، آثاری از آهنگ‌سازان کلاسیک و نیز آهنگ‌سازان ایرانی اجرا می‌شود. مدیریت اجرایی برگزارزی این کنسرت‌ها برعهده رامین براتی و تهیه‌کننده آن علیرضا فواکهی است. مخاطبان می‌توانند از طریق سایت اکسیرکنسرت exirconcert.com اقدام به تهیه بلیت کنند.

محمد رحمانیان «زندگینامه شهید خوش‌لفظ» را روی صحنه می‌برد

● **گروه هنر:** محمد رحمانیان قصد دارد در ماه رمضان سال ۹۸ نمایش «زندگینامه شهید خوش‌لفظ» را در تالار وحدت روی صحنه ببرد. محمد رحمانیان، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر، قصد دارد در جدیدترین فعالیت خود در عرصه تئاتر نمایش «زندگینامه شهید خوش‌لفظ» را در تالار وحدت روی صحنه ببرد.

